حکایت اهل راز

تا آخر عمر، سفارش «علامه امینی» را زمین نگذاشت

عید سعید غدیر، همیشه یادآور مجاهدت خستگی‌ناپذیر مرحوم علامه «امینی» در نگارش کتاب عظیم «الغدیر» و یک عمر تحقیق و تلاش ایشان برای اثبات ولایت امیرالمؤمنین(ع) با استفاده از منابع اهل سنت است.

اما دغدغه علامه امینی برای بیان فضائل امیرالمؤمنین(ع) حتی بعد از ترک این دنیا هم تمام نشد.

خوب است بدانید ایشان، علامه محمدتقی جعفری را برای این مأموریت انتخاب کردند.

شاگرد خاص علامه جعفری در این باره می‌گوید: «این ماجرا را، هم از خود علامه و هم از آقازاده‌شان شنیدم. ماجرا این بود که داماد علامه جعفری یک شب علامه امینی را در خواب می‌بینند. علامه امینی می‌گویند: «سلام مرا به جعفری برسانید و بگویید دست ما از این دنیا کوتاه است اما شما تا می‌توانید روی نهج‌البلاغه کار کنید.»

سال ۵۹ که شروع شاگردی من در محضر علامه جعفری بود، ۴ جلد از تفسیر نهج‌البلاغه ایشان چاپ شده بود. نگاه استاد به آن خواب، نگاه تکلیف‌مدارانه بود. احساس می‌کردند این ماموریتی است که با آن پیام علامه امینی بر عهده ایشان گذاشته شده است.

به‌طور طبیعی، ایشان قبل از آن هم در زمینه نهج‌البلاغه مطالعه و پژوهش داشتند اما بعد از آن خواب، با این نگاه که این کار به ایشان تکلیف شده، با مداومت بیشتری آن را پی گرفتند و این مأموریت تا روزهای آخر عمرشان همچنان ادامه داشت.»

ای تنهای تنهایان!

بشر ۱۴۰۰ سال است در فقدان تو سرگردان است

یک عمر انس داشتن با نهج‌البلاغه، علامه را به باور عمیقی رسانده بود که با همه وجود درک می‌کرد بشریت به‌خاطر از دست‌دادن امیرالمؤمنین(ع) چه صدمات جبران‌ناپذیری متحمل شده و می‌شود. این رنجنامه را در آخرین جلد تفسیر نهج‌البلاغه‌شان هم با عباراتی با این مضمون نوشتند:

امیرالمؤمنین(ع) در سخنان مبارکش بارها و بارها صلاح و فساد مردم را بیان می‌فرمودند.

با اینکه هیچ‌کس در خلوص او تردید نداشت و دوست و دشمن روح الهی او را درک می‌کرد و نه موافقان و نه مخالفان هیچ‌وقت نتوانستند اشکالی به زمامداری ایشان بگیرند اما حکومت او را تاب نیاوردند و کافران از یک‌سو و جاهلان به اسم دین از سوی دیگر کاری کردند که عاقبت دست جامعه اسلامی را از دامن آن انسان بزرگ کوتاه کردند.

اگر قوم بنی‌اسرائیل برای کفران نعمت هدایت، ۴۰ سال در بیابان گمراهی سرگردان بودند، نه‌فقط ما مسلمانان بلکه تمام بشریت ۱۴۰۰ سال است در گمراهی از دست دادن امیرالمؤمنین(ع) سرگردان هستیم و سوگند به جانم این سرگردانی، چندین برابر خواهد شد...»

دکتر زهره محمدعلی، شاگرد علامه جعفری
خبرگزاری فارس، ۱۳۹۸/۵/۲۸

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

جواب سلام در گفت‌وگوهای مجازی

س) اگر کسی در نامه یا پیام‌رسان، سلام کرد، آیا جواب دادن به سلام او واجب است؟

ج) به‌طور کلی جوابِ سلام، جز در ملاقات حضوری، مکالمه تلفنی و مانند آن، واجب نیست.

شیوه صحیح نذر شرعی

س) مردم (به‌ویژه در ایام محرم و سوگواری اهل‌بیت(ع))، نذرهای زیادی می‌کنند، نذر شرعی باید چه شرایطی داشته باشد؟

ج) برای انعقاد نذر شرعی لازم است که شرایط ذیل مراعات شود:

۱- صیغه نذر (به زبان عربی یا ترجمه آن) را به زبان جاری کند، مثلا بگوید (برای خدا بر عهده من است که اگر فلان حاجتم برآورده شد، روز عاشورا، مجلس روضه برپا کنم.)

۲- چیزی را که نذر می‌کند انجام دهد یا ترک کند، باید از جهتی رجحان (برتری) داشته باشد، پس چنانچه به‌جا آوردن و ترک آن مساوی باشد، نذر صحیح نیست.

۳- کاری را نذر کند که انجام آن برایش ممکن باشد.

۴- نذرکننده باید مکلف و عاقل باشد و با اختیار نذر کند.

۵- در صورت حضور شوهر، نذر زن (گرچه در اموال خود) بنا بر احتیاط واجب باید با اجازه او باشد.

چرا تعداد گناهان کبیره مشخص نیست؟

موضوعی که در بعضی از اذهان می‌آید این است که چرا قرآن مجید تعداد گناهان کبیره را تعیین نکرده و دیگر اینکه چرا در اخبار در این مسئله اختلاف است؟

در بعضی اخبار، تعداد گناهان کبیره پَنج، در برخی هَفت و در پاره‌ای نُه و در بعضی بیست و یک و در پاره‌ای سی و یک عدد برشمرده‌اند.

در ابهام گناهان کبیره و تعیین نکردن آن در قرآن مجید، حکمتی عظیم و لطفی بزرگ از جانب پروردگار عالم به بندگانش می‌باشد، زیرا اگر تعیین می‌شد، مردم سعی می‌کردند که فقط از آنها اجتناب کنند و از روی جهالت و هوای نفس، بر اقدام به سایر گناهان جرأت می‌کردند، به خیال اینکه سایر گناهان به ایشان صدمه‌ای نمی‌زند. آنگاه به مفاسد کثیره‌ای دست می‌زدند که از آن جمله جرأت نمودن بر مخالفت نواهی الهی است.

چه بد بنده‌ای است کسی که بر مولای خود، جَری شود و با اُموری که امر به ترک آن کرده، مخالفت کند، بلکه این جرأت و بی‌حیایی سبب می‌شود که جرأت بر کبائر هم بکند. زیرا کسی که نسبت به نواهی پروردگارش در مورد صغائر بی‌پروا باشد، کم‌کم نسبت به گناهان کبیره هم بی‌باک می‌شود.

*** بررسی گناهان کبیره در مواعظ و کلام آیت‌الله مجتهدی تهرانی(ره)،**
سیدعباس اسلامی، اعظم قاسمی، صص ۱۶ و ۱۷

فاطمه زهرا(س)
مربی الگو

صدرالله فتحی

زهرا، نیکو اسوه‌ای است که بشریت امروز شایسته است زندگی در کنار پدر را با ایثار و فداکاری و در کنار همسر را با عشق و دلدادگی و در کنار فرزند را با قناعت و از خود گذشتگی و در کنار همسایه را با لطف و بخشندگی، از او که جلوه‌ای از جلوه‌های حق است فرا بگیرد تا به سعادت دنیا و آخرت برسد. در نوشتار حاضر به برخی جلوه‌های تربیتی و اخلاقی زهرای اطهر(س) اشاره شده است.

***

نقش الگو و اسوه در زندگی بر کمتر کسی پوشیده است، زیرا انسان دائماً در فکر تطبیق خویش با الگوهاست و از آنها تأثیر پذیرفته و به آنها اقتدا می‌کند. زندگی فاطمهٔ زهرا (س) الگوی خوبی است برای آنان که می‌خواهند از خوبان باشند و به خوبان اقتدا کنند و خود و خانواده و جامعه خویش را بسازند و آن را گذرگاهی برای موفقیت و رستگاری ابدی قرار دهند.

زهرا، مربی زنان و مردان است، او سازندگی و تربیت نسل را از خانواده آغاز کرد، چرا که هسته مرکزی اجتماع از خانواده تشکیل می‌شود و چنانچه خانواده در معرض نور الهی قرار گیرد و از ظلمت‌های نفس رهایی یابد، اجتماع رحمانی تحقق می‌یابد و زهرا در پی ساختن چنین جامعه‌ای بود.

با دقت در القابی که به آن حضرت داده شده می‌توان دریافت که مقاصد این بانوی والا مقام بسیار بزرگ و ارزشمند بوده است، چنان‌که گفته‌اند: «زهرا(س) زهرا شد تا نور اصلی هدایت و عصمتش که به چشم علی نمایان بود، برای تمام انسان‌ها همچون چراغ هدایت مطرح شود. او صدیقه شد تا اثباتگر صداقت سخن و رفتارش باشد، که تأیید تمامی آیات الهی است. راضیه و مرضیه شد تا میزان عصمتش را در اتصال به حق به صورت رابطه‌ای دو جانبه با خالق فاطر، به‌صورت رضایت الهی از فاطمه و رضایت فاطمه از عطای الهی، مطرح کند و همه بدانند او در سخن و عملش، غیر از رضای حق نمی‌خواهد. طاهره شد تا اثبات طهارت جسم، روح و نفسش صحه‌ای الهی بیابد. زکیه شد تا تزکیه مستمر روحی اخلاقی او، علت اصلی و رمز رهبری زنان شود. بتول شد، تا همه بدانند که فاطمه، انسانی جدای از زنان عالم است و برای هدفی والا خلق شده است»(۱) و بالاخره او فاطمه شد تا از هر گونه بدی بریده شده و به حق متصل شود و قوی‌ترین راهبر در اتصال امت به خالق باشد.

زهرا در جوار پدر

هنوز در سنین کودکی و گذراندن سال‌های چهارم یا پنجم عمرش بود که به نقل محدثین برای پیشرفت اسلام و مبارزه با شرک و بت‌پرستی، وظیفه دفاع از پدر مقدس خود را بر عهده گرفت. بخاری در صحیح خود از عبدالله بن مسعود روایت می‌کند که: «روزی همچنان‌که پیامبر در سجده بود و اطراف آن حضرت جمعی از قریش بودند عقبه بن ابی معیط شکمبه گوسفندی را آورد و بر پشت آن حضرت انداخت، پیامبر سر خود را بر نداشت تا آنکه زهرا آمد و آن را برداشت».(۲)

در خانه پدرش بود که تکبیر گفته می‌شد و عده‌ای روی به خدا می‌ایستادند و در هر شبانه‌روز در اوقاتی خاص پروردگار خویش را به بزرگی یاد می‌کردند و او نظاره‌گر بود. او در چنین خانه‌ای رشد می‌کند و بزرگ می‌شود تا اثرات این موهبتها، در وجود او متجلی گردد... او سختی را در دره‌ای نزدیک مکه به نام شعب ابی طالب با تمام وجود می‌چشد نه یک یا دو روز بلکه در فاصله‌ای میان دو تا سه سال، تا بیشتر کارآزموده شود و سختی و مشقت تا آنجا پیش می‌رود که بعد از خروج از شعب، با مرگ مادر یعنی خدیجه، طاقت‌فرسا می‌شود.

(ام ابیها) بود، چون در حق پدر، مادری کرده و غم و اندوه را از چهره پدر زدوده و غمخوار او بوده است و با دستان کوچک خویش گرد و غبار از سر و روی رسول خدا پاک نموده و نوازشش کرده است.

وقتی آیه ۶۳ سوره نور: «لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضاً؛ صدا کردن پیامبر را در میان خود، مانند صدا کردن یکدیگر قرار ندهید»؛ نازل شد، فاطمه زهرا(س) شرم می‌کرد به پیامبر(بابا) بگوید و او را پیامبر خدا صدا می‌کرد.

چند بار پدر را رسول‌الله صدا کرد اما پیامبر جوابش را نداد، بعد فرمود: فاطمه جان! این آیه درباره تو و خاندانت نازل نشده است. تو از منی و من ازتو هستم. این آیه در رابطه با جفاکاران خود خواه فرود آمده است، تو بگو: بابا! زیرا این سخن دل را زنده و خدا را خشنود می‌سازد.(۳)

در هنگام هجرت، به قولی زهرا هشت سال بیشتر نداشت و در آن وقت مادر را از دست داده و مسئولیت خانه را به دوش داشت. او بدون هیچ‌گونه جزع و بیتابی تنها در خانه پدر و در آن محیط پر از رعب و وحشت ماند تا بعدها مقدمات هجرت او مخفیانه فراهم شد و به پدر گرامی‌اش پیوست. در طول ده سال در مدینه همه جا پشتیبانی صدیق و با ایمان برای پدر و شوهر عزیز خود در جنگها و پیشامدهای سخت و ناگوار بود.

«در هنگام فتح مکه که بزرگ‌ترین فتح پیامبر اسلام محسوب می‌شد، نام فاطمه به چشم می‌خورد که همراه پدر به مکه آمده و خیمه‌ای در بالای شهر مکه برپا می‌کند و چون خیال پیامبر از مقاومت بت‌پرستان و مشرکین آسوده می‌شود به خیمه فاطمه می‌آید و به نزد زنان دیگری که همراهش آورده بود، نمی‌رود. فاطمه وسائل شست‌وشو و نظافت پیامبر را فراهم می‌کند و چون کار نظافت به پایان می‌رسد جامه بر تن پدر می‌پوشاند و آن حضرت را به سوی مسجدالحرام و خانه خدا می‌فرستد.(۴)

> **زهرا(س) زهرا شد تا نور اصلی هدایت و عصمتش که به چشم علی نمایان بود، برای تمام انسانها همچون چراغ هدایت مطرح شود. او صدیقه شد تا اثباتگر صداقت سخن و رفتارش باشد، که تأیید تمامی آیات الهی است. راضیه و مرضیه شد تا میزان عصمتش را در اتصال به حق به صورت رابطه‌ای دو جانبه با خالق فاطر، به‌صورت رضایت الهی از فاطمه و رضایت فاطمه از عطای الهی، مطرح کند و همه بدانند او در سخن و عملش، غیر از رضای حق نمی‌خواهد. طاهره شد تا اثبات طهارت جسم، روح و نفسش صحه‌ای الهی بیابد. زکیه شد تا تزکیه مستمر روحی اخلاقی او، علت اصلی و رمز رهبری زنان شود. بتول شد، تا همه بدانند که فاطمه، انسانی جدای از زنان عالم است و برای هدفی والا خلق شده است.**

زهرا در جوار همسر

۹ ساله بود یا بیشتر که به خانه شوهر رفت، او که از کودکی مادر خویش را از دست داده بود، طعم سختیها و تلخی‌های بسیاری را چشیده و راه و رسم خانه‌داری را به خوبی تجربه کرده و از پس کارهای منزل برآمده بود. چه شب‌ها و روزها را که به پدر خویش خدمت کرده و با دستان کوچکش غم و اندوه را از چهره پدر زدوده و غمخوارش بوده است، چه روزها که در کنار پدر و همراه او به تازه مسلمانها لطف و مرحمت کرده است، اکنون در منزل شوهر، همسری کفو و مانند او (علی) در انتظارش نشسته است، بعد از مراسم خواستگاری و عقد و تعیین مهریه به مقدار الی ۵۰۰ مثقال نقره، مجلس جشن و عروسی برپا می‌شود. پیامبر به پا می‌خیزد و خطبه می‌خواند: «خداوند به من امر فرموده تا فاطمه را به ازدواج علی در آورم. شما را به گواهی می‌گیرم که من فاطمه را به ازدواج علی در آوردم در برابر چهارصد مثقال نقره، اگر علی بدان راضی باشد، بر طبق سنت قائمه و فریضه واجبه. ای علی! راضی هستی؟ گوید بله یا رسول‌الله.حاضران رو به علی کرده و تهنیت و تبریک می‌گویند».(۵)

ولیمه عروسی

یکی از سنت‌های اسلامی ولیمه دادن در مراسم عروسی است. در عروسی زهرا(س) هم ولیمه تهیه شد. «مطابق نقل امالی شیخ صدوق، رسول خدا(ص) به علی(ع) فرمود: تهیه گوشت و نان با ما و خرما و روغن با تو باشد. در روایتی دیگر آمده: سعد گفت: من گوسفندی برای این ولیمه می‌دهم(۶) و گروه دیگری از انصار نیز هر کدام در حد توانایی خود چیزی تهیه کردند و مراسم ولیمه انجام شد. این روایت را بیشتر اهل سنت مانند طبری و ابن حجر و سیوطی و دیگران نیز نقل کرده‌اند. این سنت حسنه باید همچنان زنده بماند و خانواده‌ها با تهیه ولیمه و اطعام خویشان و دوستان، وصلت ازدواج را به گوش همگان برسانند و ضمن جلوگیری از اسراف و تبذیر با تهیه غذایی ساده و مختصر از تحمیل خرج‌های بیهوده به داماد جلوگیری کنند.

> **زهرا(س) در طول زندگی پر فراز و نشیب خود با علی(ع)، هیچ‌گاه از وی تقاضایی نکرد که اجابت آن برای علی مشکل و موجب اذیت باشد. لباس، زینت، اثاث خانه، مسکن وسیع و امثال آن خواسته‌هایی است که معمولاً هر زنی به خود اجازه می‌دهد که از همسرش درخواست کند، اما زهرا هرگز همسرش را برای تهیه این نوع خواسته‌ها به زحمت نینداخت.**

زهرا(س)؛ الگوی شوهرداری و خانه‌داری

زهرا(س) همانند یک زن آموزگار، شوهرداری و خانه‌داری را همراه با سبک زندگی‌اش به زنان آموخت. از همان روز اول زندگی این زن و شوهر، تمام کارهای مربوط به شؤون خانوادگی بین آنها تقسیم شد. آنچه مربوط به خارج منزل بود علی عهده‌دار شد و آنچه که به داخل خانه ارتباط داشت زهرا متعهد شد. کارهای منزل از قبیل طبخ غذا، آرد کردن گندم یا جو، پختن نان و شست‌وشوی لباس به عهده فاطمه بود. زحمات طاقت‌فرسای زندگی فاطمه، رقت‌آور بود آن‌قدر دستاس کرده بود که جز پوست و استخوان، چیزی در دستهای پر آبله‌اش نمودار نبود.

زهرا(س) در طول زندگی پر فراز و نشیب خود با علی(ع)، هیچ‌گاه از وی تقاضایی نکرد که اجابت آن برای علی مشکل و موجب اذیت باشد. لباس، زینت، اثاث خانه، مسکن وسیع و امثال آن خواسته‌هایی است که معمولاً هر زنی به خود اجازه می‌دهد که از همسرش درخواست کند، اما زهرا هرگز همسرش را برای تهیه این نوع خواسته‌ها به زحمت نینداخت.

ادب و احترام او نسبت به شوهر اقتضا می‌کرد که نه تنها از طرح و بزرگ جلوه دادن کمبودهای خانه خودداری کند، بلکه در حد امکان، کاستی‌ها را نادیده گرفته، آنها را کوچک شمارد. او نه تنها اظهار ناراحتی نمی‌کرد بلکه کاستی‌ها را جبران کرده و از تحمیل هر رنج و زحمتی به همسر خود خودداری می‌کرد و در این راه ایثار و فداکاری می‌نمود تا آنجا که گویند: صبح یکی از روزهایی که علی و فاطمه در کنار هم بودند، علی(ع) برای رفع گرسنگی خود غذایی را از همسرش طلب کرد. زهرا گفت: خود دو روز است که چیزی نخورده‌ام و هر چه در خانه بود برای شما و فرزندان آوردم. علی فرمود: چرا مرا از این امر آگاه نساختی تا برای تهیه غذا اندیشه‌ای کنم، زهرا پاسخ داد: از خدای خود شرم کردم که چیزی از تو بخواهم که انجام آن برایت دشوار باشد».(۷)

علی گوید: «زهرا در هیچ امری، قدمی بر خلاف میل باطنی من برنداشت و هرگاه که به رخسارش نظاره می‌کردم، تمام غصه‌هایم بر طرف می‌شد و دردهایم را فراموش می‌کردم».(۸)

زندگی این زوج بر اساس عشق و محبت بود، عشق و محبتی که ریشه در اعماق جانشان داشت و برای امور و نیازهای روزمره زندگی در کنار هم نبودند بلکه هدفی والا و عشقی الهی داشتند. عظمت و علم وسیع زهرا بود که علی را بیش از پیش شیفته او می‌کرد: «در یکی از روزها، زهرا(س) در اطاق نشسته بود که علی(ع) وارد خانه شد. تا چشم فاطمه به آن حضرت افتاد، صدا زد یا ابا الحسن! بیا تا از علوم گذشته و آینده و دانشهایی که نسل بشر به آن پی نبرده و در آینده هم به آنها دسترسی نخواهد یافت تو را آگاه کنم».(۹)

این گفتار و ادعای زهرا موجب شگفتی علی شد، طوری که امیرالمؤمنین مات و مبهوت از خانه خارج شد و خدمت پیامبر رسید و این فضیلت را با شادی به پیامبر اطلاع داد.

زهرا در جوار فرزندان

سالی از پیوند علی و زهرا می‌گذرد و فاطمه منتظر فرزندی است. نخستین فرزند را به دنیا می‌آورد. علی طفل را بر سینه می‌نهد و او را می‌بوسد و بعد بر پارچه‌ای سفید پیچیده و به آغوش رسول‌الله حوالت می‌کند. رسول خدا بر او نام «حسن» را بر می‌گزیند، نیکو فرزندی از نیکو مادری که هرگز برگرد ناپاکی نگشته است. این خود درسی است که باید بزرگ‌ترها در نامگذاری فرزند، پیش قدم باشند و نامهای نیک بر فرزند خویش گذارند و برگوش او اذان و اقامه سرآیند و صدقه بدهند.

نامگذاری برای طفل اهمیت زیادی دارد، زیرا اولین چیزی که در فهم لطیف و حساس کودک، راه پیدا می‌کند، نام و شهرت اوست. اینکه این نام چه بار فرهنگی و معناداری را می‌کند، تأثیر شگرفی در روح و روان کودک دارد. لذا حضرت زهرا با همفکری و همکاری پیامبر و علی زیباترین نامها را برای فرزندان خود انتخاب کرد.

زهرا(س) عقیقه می‌داد. عقیقه قربانی و صدقه دادن است برای تولد فرزند. نقل شده که « فاطمه هرگاه صاحب فرزندی می‌شد برای او گوسفندی عقیقه می‌داد، سپس روز هفتم سر او را تراشید و برابر وزن موهای او نقره صدقه می‌داد. برای قابله (ماما) و همسایه‌ها هدیه می‌فرستاد و دیگران را در شادی خود سهیم می‌کرد».(۱۰)

همبازی شدن با کودکان و تربیت آنها

زهرا(س) از همان دوران کودکی فرزندان، با آنها همبازی می‌شد. نقل است که او با فرزندش امام حسن(ع) بازی می‌کرد و او را بالا می‌انداخت و می‌فرمود:

اشبه اباک یا حسن
واخلع عن الحق الوسن
واعبد الها ذا منن
ولا توال ذا الاحن

پسرم حسن، مانند پدرت باش، ریسمان ظلم را از حق بر کن، خدایی را بپرست که صاحب نعمت‌های متعدد است و هیچ‌گاه با صاحبان ظلم و تعدی، دوستی مکن.

همچنین نقل شده که وقتی فرزندش حسین را بازی می‌داد این‌گونه می‌فرمود:

انت شبیه بابی
لست شبیها بعلی

تو به پدر من (پیامبر) شبیهی و به پدرت علی شباهت نداری و این موجب خنده و تبسم علی می‌شد».(۱۱)

فاطمه به فرزندانش یاد داده بود که در کوچه و محله از دیگران چیزی نگیرند بلکه اگر می‌توانند به دیگران چیزی را ببخشند و بدین طریق گذشت و فداکاری را به آنها می‌آموخت تا در بزرگی سخاوت و گذشت و کمک به همنوع در آنها ملکه و عادت شود و چنین هم شد. حسن و حسین که فرزندان او بودند در نهایت سخاوت و گذشت نسبت به همنوع بودند و همگان را از خوان نعمت خویش بهره‌مند می‌ساختند. حتی دشمنان از نعمت وجود ایشان بهره می‌بردند. امام حسن(ع) در طول حیات خود چند بار دارایی‌اش را وقف مردم فقیر و ندار کرد.

زهرا سعی داشت مشکلات و گرفتاریهای خارج از خانه را به داخل نکشاند تا سلامتی روحی و روانی فرزندان تأمین شود. او در عین حال به بعدپرستش و عبادت بچه‌ها توجه داشت و مراقب بود که آنها عبادت حضرت حق را انجام داده و در این راه کوشا باشند. در شبهای قدر آنان را به عبادت و کرنش در برابر حضرت حق تشویق می‌کرد. آنان را در روز می‌خوابانید تا استراحت کرده و شب را براحتی و با میل خویش بیدار بمانند.

فاطمه زهرا (س) کاملاً مراقب حرکات و سکنات فرزندان خویش بود و به دقت رفت و آمد آنان را زیر نظر داشت. «نقل است که روزی پیامبر، عازم خانه دخترش فاطمه شد. چون به خانه رسید، دید فاطمه مضطرب است و پشت در ایستاده است. پرسید: چرا این‌جا ایستاده‌ای؟ با آهنگی مضطرب جواب داد: فرزندانم صبح بیرون رفته‌اند و تاکنون از آنها خبری ندارم. پیامبر به‌دنبال آنها روانه شد، چون به نزدیک غار جبل رسید آنها را دید که در کمال سلامت و آرامش، مشغول بازی‌اند. آنها را بر دوش گرفت و به سوی خانه فاطمه روانه شد».(۱۲) این واقعه نمونه‌ای گویا از توجه و اهمیت دادن حضرت زهرا به حضور فرزندان خرد سالش بود.

درآمد خانواده

پیامبر برای کمک به درآمد خانواده زهرا زمین حاصلخیز فدک را که در ۱۴۰ کیلومتری مدینه است به زهرا بخشید، زیرا که ملک مربوط به رسول خدا بود و ساکنین فدک خود این ملک را به پیامبر بخشیده بودند و حضرت می‌دانست که علی و فاطمه می‌توانند بهتر و شایسته‌تر از هر شخص دیگری، درآمد حاصل از این ملک را برای امور مسلمانان و خانواده خویش خرج کنند و این درس دیگری است تا خانواده‌ها به فکر منابع مالی برای حال و آینده فرزندان خویش باشند تا محتاج به دیگران نباشند.

زهرا در جوار همسایگان

او نسبت به همسایگان و اهالی مدینه نمونه ایثار و گذشت بود. حتی در هنگام دعا و عبادت اول برای همسایه‌ها دعا می‌کرد سپس برای خود و هنگامی که از طرف امام حسن(ع) مورد پرسش قرار می‌گیرد، می‌گوید: «الجار ثم الدار؛ اول همسایه بعد خانه».(۱۳)

هیچ‌وقت کسی به خانه او روی نکرد که نا امید برگردد. در روایت است که سائل‌ها وقتی از همه جا مأیوس می‌شدند به خانه زهرا روی می‌آوردند. در بحارالانوار است که: پیرمردی خدمت رسول خدا(ص) آمد و عرض کرد: یا رسول‌الله! گرسنه‌ام، برهنه‌ام، ضعیفم به فریاد من برس. پیامبر فرمود: چیزی در دست نیست لکن تو را راهنمایی می‌کنم به جایی که کار تو اصلاح شود. حضرت به بلال فرمود او را به خانه زهرا ببر. بلال پیرمرد را به خانه زهرا راهنمایی کرد. پیرمرد درد خود را خدمت دختر پیامبر اظهار کرد. زهرا هیچ نداشت فقط پوست گوسفندی بود که شبها زیرانداز حسن و حسین بود، همان پوست را به او داد و فرمود خدا به حال تو فرج خواهد کرد. سائل نگاهی به پوست کرد و گفت: دختر پیامبرا! این پوست به حال من نفعی ندارد.

زهرا گردن‌بندی در گردن مبارکش بود که دختر عمویش حمزه سید الشهداء به عنوان هدیه به او داده بود، آن را به اعرابی داد».(۱۴)

نقل است که پیامبر برای عروسی زهرا(س) پیراهنی تهیه کرد و او آن را شب زفاف در برداشت. در بین راه و به روایت ابن جوزی، در خانه علی، سائلی برهنه درخواست لباس از زهرا کرد و او همان پیراهن نو را در آورده به او داد و خود پیراهن کهنه را پوشید. فردا که رسول خدا بر او وارد شد آن پیراهن را در بر زهرا ندید. پرسید: پیراهنت را چه کردی؟ عرض کرد: سائلی آمد آن را به او دادم. فرمود. چرا کهنه را ندادی؟ عرض کرد: پدر جان، خواستم به این آیه عمل کرده باشم «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون؛ هرگز به نیکی نمی‌رسید مگر آنکه از آنچه که دوست می‌دارید انفاق کنید».(۱۵)

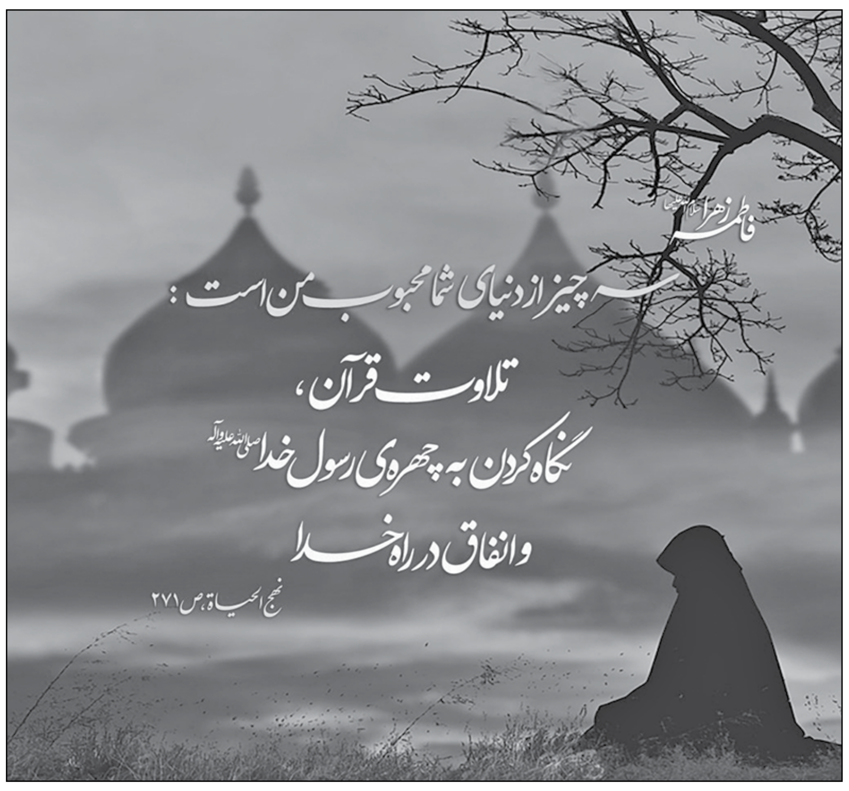

فاطمه زهرا سلام الله علیها
سه چیز از دنیای شما محبوب من است:
تلاوت قرآن،
نگاه کردن به چهره‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله
و انفاق در راه خدا
نهج الحیاة، ص ۲۷۱

۱- بهزادپور، سیمین دخت، چرا فاطمه فاطمه شد؟، جلد ۲ ص ۱۰.
۲- رسولی محلاتی، سیدهاشم، فاطمه زهرا، ص ۲۰؛ بحار الانوار ج ۱۸ ص ۱۸۷.
۳- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۳۳.
۴- رسولی محلاتی، سیدهاشم، فاطمه زهرا، ص ۹۸ .
۵- همان، صص ۴۸ و ۴۹.
۶- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۹۵.
۷- همان، ص ۶۰.
۸- همان، ص ۱۲۳.
۹- علم الهدی، سید احمد، زهرا مولود وحی، صص ۱۱۸ - ۱۱۷.
۱۰- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۲۵۷.
۱۱- همان،ص ۲۸۶.
۱۲ - همان، ص ۳۱۶.
۱۳- همان، ص۸۲.
۱۴- همان،ص ۵۶.
۱۵- آل عمران، آیه ۹۲؛ شوشتری قاضی نور الله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۱۰، ص ۴۰۱.

چراغ راه

شیعه حقیقی کیست؟

قال رجل لامراته: «اذهبی الی فاطمه بنت رسول‌الله(ص) فاسالیها عنی انی من شیعتکم ام لست من شیعتکم؟ فسألتها. فقالت: قولی له ان کنت تعمل بما امرناک و تنهی عمّا زجرناک عنه، فانت من شیعتنا و الّا فلا».

مردی به همسرش گفت: خدمت حضرت فاطمه زهرا(س) دخت گرامی رسول خدا(ص) برو و درباره من از آن حضرت بپرس که آیا از شیعیان ایشان هستم یا نه؟ آن زن خدمت حضرت رسیده و مطلب را سؤال نمود. حضرت به او فرمود: به همسرت بگو: چنانچه به دستورات ما عمل کنی و از آنچه تو را بازداشته‌ایم دوری کنی از شیعیان ما خواهی بود وگرنه خیر از پیروان ما نخواهی بود.(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۲، ص ۱۳

حکایت خوبان

پندهای حکیمانه

چند روز پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) مردی به محضر حضرت فاطمه(س) مشرف شد و عرض کرد: ای دختر رسول خدا(ص) آیا آن حضرت چیزی نزد شما به یادگار گذاشته است تا مرا از آن بهره‌مند سازی؟» حضرت فاطمه(س) از روی نوشته‌ای فرمود: از مؤمنین نیست کسی که همسایه‌اش از آزار او درامان نیست و کسی که به خداوند و روز قیامت ایمان دارد یا سخن خوب می‌گوید یا سکوت می‌کند. خداوند انسان خیر، بردبار و عفیف را دوست دارد و انسان بدزبان، کینه‌توز و گدای اصرارکننده را دشمن می‌دارد. حیا از ایمان است و ایمان سبب ورود در بهشت می‌باشد و فحش از بی‌شرمی سبب ورود به جهنم است.(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۲

پرسش و پاسخ

ابعاد قابل دسترسی شخصیت حضرت زهرا(س)

پرسش:
آیا ابعاد شخصیتی حضرت زهرا(س) برای بانوان هر دوران قابل پیاده‌شدن و دسترسی می‌باشد؟
پاسخ:

ابعاد شخصیت حضرت زهرا(س) بسیار وسیع و گسترده است، که با مطالعه و تحقیق پیرامون محورهای معنوی و الهی، علم و دانش و مبارزات سیاسی و اجتماعی آن حضرت می‌توان به گوشه‌ای از ابعاد شخصیت و فضایل حضرت فاطمه(س) پی برد. نکته کلیدی درباره این ویژگی‌ها و فضایل آن حضرت، قابل دسترسی بودن آنها برای تمامی بانوان تا روز قیامت خواهد بود، چرا که فلسفه الگو بودن آن حضرت دقیقا همین است که مخاطبین و دیگران بتوانند به حضرت زهرا(س) اقتدا کرده و ویژگی‌های شخصیتی و فضایل و کمالات آن حضرت را در وجود خودشان پیاده کنند. بنابراین برخی از ابعاد شخصیتی اخلاقی و انسانی حضرت فاطمه(س) را که قابل دسترسی و پیاده شدن برای همه مخاطبین اعم از زن و مرد نیز می‌باشد، در اینجا به نحو اجمال مطرح می‌کنیم:

ویژگی‌های بارز اخلاقی و انسانی قابل دسترسی

۱- پارسایی و قناعت به ثروت اندک و امکانات ناچیز، در عین امکان بهره‌مندی از بالاترین امکانات

فاطمه زهرا(س) با وجود مزرعه با ارزشی به نام فدک که پیامبر اکرم(ص) آن را به آن حضرت بخشیده بودند و همچنین درآمد قابل توجهی که امام علی(ع) از محل کار و تلاش خود داشت، حضرت فاطمه(س) می‌توانست زندگی مرفهی را برای خود و همسر و فرزندان فراهم آورد، اما همه درآمد خود را صرف کمک به نیازمندان می‌کرد و خود به یک زندگی ساده توأم با قناعت و پارسایی اکتفا می‌نمود.

۲- انفاق و ایثار فراوان در اشیای مورد علاقه و نیاز خویش

یکی دیگر از ابعاد شخصیت اجتماعی حضرت زهرا(س) انفاق و ایثار آن حضرت است. داستان بخشیدن غذا و طعام خود، در عین نیازمندی به مسکین و یتیم و اسیر در مدت سه شبانه‌روز پی‌درپی، در سوره الدهر یا الانسان آمده است.

۳- عبادت خالصانه و نیایش به درگاه باری تعالی

یکی دیگر از ابعاد کرامتی حضرت زهرا(س) عبادات آن حضرت می‌باشد. عبادت فاطمه(س) از لحاظ کمیت و کیفیت تا بدان حد گسترده است که در تمامی لحظات زندگی او حضور و ظهور دارد. رفتار، گفتار، نگاه، تلاش و نفس‌کشیدن آن حضرت در هر لحظه شب و روز عبادت بود.

۴- علم و دانش گسترده براساس محتوای کتاب شریف مصحف فاطمه(س)

یکی دیگر از ویژگی‌ها و امتیازات حضرت فاطمه(س) برخورداری از صحیفه فاطمیه است. شیعه معتقد است این مصحف شریف الهام شده از سوی خدای متعال به زهرای مرضیه است.

۵- الگوی کامل پوشش و حجاب اسلامی

جلوه‌هایی بسیار زیبا و دیدنی از رفتار و گفتار اجتماعی آن حضرت در عرصه حجاب و عفاف گزارش شده که می‌تواند سرمشق دختران و زنان ما در زندگی فردی و اجتماعی قرار گیرد.

۶- مبارزات سیاسی و اجتماعی در پاسداری از حریم ولایت و امامت

حضرت فاطمه(س) در دوران کوتاه زندگی خویش، پس از هجران رسول خدا(ص) زیباترین جلوه پاسداری از حریم ولایت و امامت را به تصویر کشید. آن حضرت مردم زمانه خویش را خوب می‌شناخت و می‌دانست آنان لیاقت عبرت‌پذیری از سخنان او و جسارت قیام به همراه او را ندارند، اما می‌خواست، برای آیندگان، تزویر و ضلالت را رسوا و حقیقت را برملا و حجت را بر آیندگان تمام نماید. چنانکه فرمود: من با کمال دقت و معرفت شما را از گمراهی، خذلان و تیرگی که ظاهر و باطن شما را فرا گرفته است آگاه ساختم، ولی می‌دانم که خوارید و در چنگال زبونی گرفتار. یاری نکردن وجودتان را فرا گرفته و ابر بی‌وفایی بر قلوبتان سایه گسترده است. چه کنم که دلم خون است، و بازداشتن زبان شکایت از طاقت بیرون. می گویم برای اتمام حجت بر مردمان (دلایل الامامه، ص ۱۲۱) حضرت فاطمه(س) در قیام پرحماسه فرهنگی و سیاسی‌اش لحظه‌ای از افشاگری و روشنگری‌های هدایت‌بخش خویش دست برنداشت. تا به همه مسلمانان طول تاریخ بفهماند که سکوت در مقابل مهاجمان فرهنگی و سیاسی پذیرفتنی نیست و در مقابل بدعت و تحریف اسلام آرام ننشست که برخاست و جوشید و خروشید، افشاگری و روشنگری کرد، چرا که با الهام الهی از آینده خبر داشت و می‌دانست این روشنگری‌ها عاقبت دلهای لایقی را پیدا خواهد کرد و لذا نقش بی‌نظیری را در به ثمر رساندن امامت و محقق‌سازی هدف خلقت ایفا نمود.

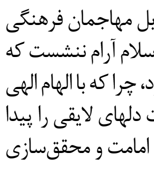

سلوک عارفانه

انواع مسئولیت‌های دینی

مسئولیت‌های دینی ما بر دو قسم است: بعضی مسئولیت‌ها، مسئولیت یک کار است با یک شکل خاص و قیافه معین که همه خصوصیات کار و اجزا و شرایطش را خود اسلام معین کرده است و گفته است که شما این کار را در این قالب معین و با این شکل خاص انجام دهید... اینها را تعبدیات می‌گویند. مانند نماز و روزه... اما نوع دیگر از مسئولیت‌ها هست که ما آن را مسئولیت نتیجه می‌نامیم. یعنی نتیجه را به عهده انسان می‌گذارد و می گوید من نتیجه را می‌خواهم. مانند جهاد، که مسلمانان موظفند از حوزه اسلام دفاع کنند و استقلال مسلمین را حفظ کنند. اما با چه وسیله‌ای؟ آن دیگر تعیین نشده و اساسا قابل تعیین و اندازه‌گیری هم نیست. مسلمانان در هر زمانی موظفند بهترین وسیله را برای این کار تهیه ببینند؛ «واعدوالهم مااستطعتم من قوه» در برابر دشمنان هرچه می‌توانید نیرو تهیه کنید.(انفال- ۶۰)(۱)

۱- تربیت و رشد اسلامی، شهید مرتضی مطهری(ره)، بینش مطهر، ج ۱۳، ص ۲۴۶

صفحه معارف روزهای: شنبه ، یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maarefkayhan@Kayhan.ir